طهران

بواسطهٴ جناب آقا حسن شاه‌آبادی

شاه‌آباد خلج‌آباد سلطان‌آباد

احبّای الهی علیهم بهآء اللّه الأبهی

ترانی یا الهی مکبّاً بوجهی علی التّراب صعقاً من تجلّی الأنوار مندهشاً من مشاهدة الآثار مغماً علیه من اشتداد الافتتان المتراکمة من کلّ الأشطار متذلّلاً منکسراً الی ملکوت الأسرار متأجّج الضّلوع و الأحشآء من النّار الموقدة فی البقعة الأنوار مع ذلک انسانی نفسی و روحی و شئؤنی بما شغفونی حبّ الأبرار و امتلأ قلبی و سری فی عروقی حبّ الأخیار سریان الرّوح فی العروق و الشّریان و اناجیک فی جنح اللّیالی و خلال النّهار و بحبوحة الغدوّ و الآصال و ارجوک ان تمدّهم بامداداتک الفائقة و عنایتک السّابقة و موهبتک اللّاحقة و تنبت الأباهر و القوادم فی اجنحتهم النّسیلة حتّی یطیروا الی اوج عظمتک السّامیة و فضآء عزّتک العالیة و ینشرحوا بألطافک الباقیة و یستنیروا بأنوارک السّاطعة ربّ انلهم کأساً کان مزاجها کافورا و اجعل لهم من عین التّسنیم نصیباً موفورا و اخرج لهم کتاباً یلقوه منشورا و اعقد لهم لوآءً منصورا و ابن لهم عند عرشک العظیم بیتاً معمورا و اجعل کلّ واحد منهم سیّداً و حصورا حتّی ینشروا آثارک فی الآفاق و یظهروا انوارک فی امّ العراق و یعلوا کلمتک الی ملکوت الاشراق و تتوقّد نار محبّتک فی قلوب اهل الاشتیاق و ینحدر الدّموع علی الخدود کالسّیول من الآماق ربّ انعم صباحهم و انر مصباحهم و املأ اقداحهم و رنّح ارواحهم انّک انت المقتدر العزیز الوهّاب و انّک انت الکریم اللّطیف البرّ الرّؤوف المنّان

ای یاران عبدالبهآء قوّهٴ اشراق از نیّر آفاق شرق و غرب را بحرکت آورده عالم آفرینش آرایش یافته و خلق جدید گردیده ندای سبحان ربّی الأبهی از خاور بلند شده و آهنگ یابهآءالأبهی از باختر گوش‌زد هر هوشمند گشته السن جمیع ملل بذکر اسم اعظم ناطق و بظهور جمال قدم مخبر قومی در نهایت سرور مستبشر و حزبی در موارد آثار متحیّر و جمعی غافل و منکر در هر انجمن ذکر اسم اعظم متداول و این بشارات از ملکوت آیات در عروق و شریان امکان متواصل پس یاران الهی و احبّای حقیقی و دوستان معنوی باید شب و روز گلبانگ یابشری و یاطوبی باوج اثیر رسانند زیرا آن نفوس مستشرق از مجلّی طور گشتند و لمعهٴ نور مشاهده نمودند و نصیب موفور بردند و بشکرانهٴ این الطاف باید دمبدم آهنگ جدید بلند کنند و مانند نهنگ دریای محبّت اللّه بجوش و خروش آیند تا بقوّهٴ کلمة اللّه المطاعه خطّهٴ غبرا جنّت ابهی گردد و روی زمین بهشت برین شود و طاوس علّیّین شهپر تقدیس گشاید و در کمال تزیین جلوه فرماید ظهور این موهبت بخلوص یارانست و انجذاب دوستان و فرح و مسرّت وجدان چندیست که نغمات ورقا از آن ایکهٴ بقا بسایر بلدان نرسیده بلبل گلشن توحید را گلبانگ ربّانی لازم و ستارهٴ فجر تقدیس را سطوع نور آسمانی واجب شمع افروخته روشن است و پروانهٴ سوخته شاهد هر انجمن یاران را جذب و وله لازم و دوستان را وجد و طرب واجب سمع عبدالبهآء دائماً مترصّد تا از چه اقلیمی الحان بدیع رسد و از چه کشوری نغمات جانپرور مسموع آید اگر سرور این دل و جان را خواهید چنان نغمه و آوازی بلند کنید که اهل ملأ اعلی باهتزاز آیند و سکّان ملکوت ابهی همدم و همراز گردند و علیکم التّحیّة و الثّنآء

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۳ نوامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر